



Fundamentals of Women's Cultural and Social Security from the Perspective of the Quran and Hadiths

Mohammad Jafarzadeh^{*1}, Maryam Pakmanesh²

1. PhD in Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Islamic Azad University, Qom Branch, Qom, Iran. (Corresponding Author)
Email: jaaafarzadde2021@gmail.com
2. Master's degree, Quran and Hadith Sciences, Islamic Azad University, Ardabil Branch, Ardabil, Iran. Email: maryam.pakmanesh22@gmail.com

Abstract

Women's cultural and social security is one of the essential components in strengthening social foundations and preserving their human dignity. In the Islamic epistemological system, this category has been examined from various dimensions, relying on the teachings of the Quran and narrations. The present study, using a descriptive-analytical method, studies the foundations of women's cultural and social security from the perspective of verses and narrations and explains the role of religious values in ensuring this security. The findings show that principles such as human dignity, observing chastity and veiling, supporting family and society, ensuring psychological and social security, and confronting cultural threats play an effective role in creating and strengthening women's security. Also, concepts such as gender justice, women's role in social spheres, and ensuring their rights have been raised in Islamic texts as factors affecting cultural and social security. The results of this study indicate that adherence to religious teachings and the implementation of cultural policies based on Islamic values can pave the way for achieving sustainable security for women in society.

Keywords: Cultural security, women's rights, freedom, Islamic society, pre-Islamic society.

Received: February 1, 2024
Revised: March 16, 2024
Accepted: April 8, 2024
Available Online: April 17, 2024

Article Type: Research Paper
Published by: Hazrat-e Masoumeh University
DOI: 10.22034/cjls.2025.2053357.1031

مبانی امنیت فرهنگی و اجتماعی زنان از منظر قرآن و روایات

محمد جعفرزاده^۱، مریم پاکمنش^۲

۱. دانش آموخته دکتری، فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم، قم، ایران (نویسنده مسئول).

رایانامه: jaaafarzadde2021@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد، علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اردبیل، اردبیل، ایران.

رایانامه: maryam.pakmanesh22@gmail.com

چکیده

امنیت فرهنگی و اجتماعی زنان یکی از مؤلفه‌های اساسی در تحکیم بنیان‌های اجتماعی و حفظ کرامت انسانی آنان است. در نظام معرفتی اسلام، این مقوله با تکیه بر تعالیم قرآن و روایات، از ابعاد گوناگونی مورد بررسی قرار گرفته است. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی، مبانی امنیت فرهنگی و اجتماعی زنان را از منظر آیات و احادیث مورد مطالعه قرار داده و نقش ارزش‌های دینی را در تأمین این امنیت تبیین می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که اصولی همچون کرامت انسانی، رعایت عفاف و حجاب، حمایت خانواده و جامعه، تأمین امنیت روانی و اجتماعی و مقابله با تهدیدهای فرهنگی، در ایجاد و تقویت امنیت زنان نقش مؤثری دارند. همچنین، مفاهیمی چون عدالت جنسیتی، نقش‌آفرینی زنان در عرصه‌های اجتماعی و تأمین حقوق آنان، در متون اسلامی به‌عنوان عوامل مؤثر بر امنیت فرهنگی و اجتماعی مطرح شده‌اند. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که التزام به آموزه‌های دینی و اجرای سیاست‌های فرهنگی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی، می‌تواند زمینه‌ساز تحقق امنیت پایدار برای زنان در جامعه باشد. **واژگان کلیدی:** امنیت فرهنگی، حقوق زن، آزادی، جامعه اسلامی، جامعه جاهلی.

تاریخ دریافت:	۱۴۰۲/۱۱/۱۲	نوع مقاله:	پژوهشی
تاریخ بازنگری:	۱۴۰۲/۱۲/۲۶	ناشر:	دانشگاه حضرت معصومه(علیها السلام)
تاریخ پذیرش:	۱۴۰۳/۰۱/۲۰	DOI:	10.22034/cjls.2025.2053357.1031
تاریخ انتشار آنلاین:	۱۴۰۳/۰۱/۲۹		

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های اجتماعی که وجود آن در هر جامعه‌ای، از ضروریات و به عبارت دقیق‌تر از نخستین ضروریات محسوب می‌شود و بدون آن زندگی سعادتمندانه برای آحاد مردم، امکان‌پذیر نیست، مقوله مهم و اساسی امنیت است، امری که فی‌الواقع منشأ و زیربنای تمامی امور بوده و با عدم آن هیچ‌گونه فعالیت فردی و اجتماعی دیگر چه در عرصه فرهنگی و چه در عرصه‌های دیگر نظیر صنعت، اقتصاد، هنر، سیاست، انجام‌پذیر نخواهد بود. امروزه نگاه به مسائل و آسیب‌های امنیتی می‌تواند از زوایای گوناگونی صورت پذیرد که بخش عمده آن گریبان‌گیر زنان جامعه است که به عنوان نیمی از جمعیت جامعه گروه آسیب‌پذیری هستند که امنیت آن‌ها از راه‌های گوناگون در معرض تهدید قرار دارد؛ بنابراین پرداختن به مسائل زنان به منزله سرمایه‌های اجتماعی و انسانی از ضروری‌ترین نیازهای جامعه امروز ما است. در جهان کنونی، علی‌رغم پیشرفت‌های صنعتی و تکنولوژی و وفور ثنوری‌های امنیتی ارائه شده از سوی دانشمندان، بدون اغراق باید اعتراف کنیم که «امنیت» مهم‌ترین گمشده انسان امروزی است که برای یافتن آن چشم امید به هر سوی می‌دواند و افزایش آمار قتل‌ها و جنایت‌ها، دزدی‌ها و تجاوز به عنف و هزاران نوع جرم و خطای فردی و اجتماعی دیگر بهترین و روشن‌ترین دلیل این مدعاست. فلذا انسان امروزی برای دستیابی به «امنیت پایدار و همه‌جانبه» چاره‌ای جز این ندارد که دست یاری به سوی مکاتب آسمانی دراز کند. از آنجاکه قرآن کریم به عنوان قانون اساسی آئین آسمانی اسلام و نیز بهترین نسخه شفابخش آلام روحی و جسمی انسان‌ها و روایات به عنوان بهترین منبع تفسیر و ثقل اصغر دربرگیرنده تمامی نیازهای دنیوی، اخروی، فردی و اجتماعی انسان‌هاست، نسبت به مقوله امنیت نیز توجه ویژه‌ای داشته و در آیات بسیاری ضمن بیان اهمیت موضوع امنیت، مخاطبان خود را نسبت به آن یادآور شده است.

قرآن کریم یکی از نعمت‌های بزرگ خداوند را امنیت می‌داند و در جهت تحقق این هدف، انسان را به آرامش عمومی، عبادت و معنویت دعوت می‌کند. قرآن کریم که منبع اصلی تعالیم دین مبین اسلام است، موضوع و مقوله امنیت را در ابعاد و زوایای مختلف آن و به شکل‌های گوناگون مورد توجه و عنایت خود قرار داده است. با اندکی تأمل در مفاهیم قرآنی می‌توان دریافت که در فرهنگ قرآن کریم، امنیت از یک مفهوم وسیع، متوازن و عمیق برخوردار است که شامل تمام حوزه‌های زندگی انسان اعم از مادی، معنوی، فردی، اجتماعی، داخلی، خارجی، سیاسی، اقتصادی و غیره می‌شود. امنیت در مفهوم قرآنی آن در سایه تقوا، توکل، احترام به حقوق دیگران، اجرای قسط و عدالت، برابری و برادری، دفاع و حمایت از مظلوم و محروم، برخورد با مفسد و

مجرم، دفع فقر و مسکنت، تأمین معیشت و رفاه، حفظ آزادی‌های مشروع مردم و حاکمیت معیارهای انسانی و الهی امکان‌پذیر است. (رجبی و همکاران، ۱۳۹۸) علامه طباطبایی و سید قطب از جمله اندیشمندانی هستند که در آثار خود به مباحث امنیتی پرداخته‌اند. با وجود این، پژوهش‌های اندکی در این زمینه صورت گرفته است. این پژوهش درصدد است تا دیدگاه علامه طباطبایی و سید قطب را درباره نسبت امنیت و آزادی در سه بعد، سیاسی فرهنگی و اقتصادی به دست آورد. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که مناسبات امنیت و آزادی در اندیشه علامه طباطبایی و سید قطب، چگونه است؟ برای پاسخ به این پرسش از روش برهان سبر و تقسیم و از نظریه استخدام علامه طباطبایی (رحمه‌الله) به عنوان چارچوب نظری استفاده شده است. از مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش این است که هیچ یک از امنیت و آزادی در اندیشه سید قطب بر یکدیگر تقدم ندارند بلکه نسبتی تعاملی متعالی میان آن دو برقرار است و این نسبت به اعتقاد سید قطب، نشأت گرفته از کاربست قوانین اسلام درباره هر یک از امنیت و آزادی است و تنها در جامعه اسلامی است که چنین مناسباتی میان امنیت و آزادی برقرار می‌شود. نتایج این پژوهش ضمن ایجاد توسعه علمی در مباحث مربوط به امنیت و آزادی، در امر قانون‌گذاری و حل تراحمات در نظام فرهنگی و اجتماعی کاربرد دارد.

۱. مبانی

از آنجاکه یکی از مسائلی که امنیت اجتماعی جامعه را تهدید می‌کند، بی‌بندوباری و بی‌حجابی زنان بوده، از نظر قرآن و روایات و نیز امام خمینی زنان می‌توانند با رعایت برخی از مسائل، نقش ارزنده‌ای در ایجاد امنیت اجتماعی در جامعه ایفا بکنند که در این قسمت از پژوهش به آن می‌پردازیم.

۱-۱. حضور قاعده‌مند در اجتماع

در نگاه آغازین شاید طرح این بحث زاید به نظر آید و چنین پنداشته شود که لزوم حضور زن در اجتماع و در شرکت امور و صحنه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی تردید بردار نیست. درهرحال گویا لزوم وجوب حجاب بهترین و محکم‌ترین دلیل حضور زن در اجتماع است چون حجاب و لزوم رعایت آن از سوی زن در مقابل نامحرم و در ارتباط با اجنبی است و روشن است که اگر زن می‌بایست در گوشه‌ای به دور از انظار نگاه داشته شود و حضور در عینیت جامعه نداشته باشد در خصوص پوشش با این همه گستردگی و حساسیت سخن گفتن چه معنایی داشت؟

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَجِلْ لَكُمْ أَنْ تَرْتُوا النِّسَاءَ كَرَاهًا وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ

لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبَيِّنَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا﴾. (سوره النساء، ۱۹) ای اهل ایمان! برای شما ارث بردن از زنان در حالی که خوشایند شما نیستند (و فقط به طمع به دست آوردن اموالشان پس از مرگشان با آنان زندگی می‌کنید) حلال نیست؛ و آنان را در تنگنا و فشار مگذارید تا بخشی از آنچه را (به عنوان مهریه) به آنان داده‌اید پس بگیرید، مگر آنکه کار زشت آشکاری مرتکب شوند؛ و با آنان به صورتی شایسته و پسندیده رفتار کنید؛ و اگر (به علتی) از آنان نفرت داشتید (باز هم با آنان به صورتی شایسته و پسندیده رفتار کنید) چه بسا چیزی خوشایند شما نیست و خدا در آن خیر فراوانی قرار می‌دهد.

«برخی از مفسرین این آیه را نیز دلیل بر جواز حضور زن در اجتماع دانسته‌اند. در این بخش قرآن کریم، ما را متوجه کرده و می‌فرماید با زن‌ها معاشرت نیک داشته باشید و زن را همچون مرد در مجامعتان راه دهید و اگر خوشایندتان نیست که آن‌ها در مجامعتان شرکت کنند این کار ناخوشایند را بکنید چرا که ممکن است خیر فراوانی در آن باشد». (لطیفی و جوادی‌آملی، ۱۳۸۵، ص ۳۶۹) در اینجا اشاره‌ای می‌کنیم به نمونه‌هایی از زنان که حضورشان در اجتماع به صورت عقیف و با حیاء بوده است:

حضرت امام به مقتضای شناخت همه‌جانبه و عمیقی که از آموزه‌های دینی دارند، رسالت خود و انقلاب اسلامی را دستیابی زنان به مقام والای انسانی می‌دانند، به گونه‌ای که بتوانند در سرنوشت خود دخالت کنند. (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۶، ص ۳۰۰)

اگر قرآن کریم سرنوشت جوامع را به دست خود آنان می‌داند و پیشرفت و تحولات نیک آن را در سایه تلاش‌های آحاد جامعه معرفی می‌کند «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرْتُوا النِّسَاءَ كَرْهًا وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبَيِّنَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا﴾ (سوره رعد، آیه ۱۱)؛ و انحطاط اخلاق و فرهنگ و زوال نعمت‌ها و شکست تمدن‌ها را نیز ناشی از عملکرد خود مردم می‌شمارد؛ این «مردم» اختصاص به گروهی خاص ندارد. جلوه‌ای از این اصل قرآنی همان است که در سخنان امام بارها بر آن تأکید شده است، از جمله اینکه: اسلام زن را مثل مرد در همه‌ی شئون، همان‌طوری که مرد در همه‌ی شئون دخالت دارد، زن هم دخالت دارد. (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۶، ص ۳۰۰) اما حضرت امام خمینی (رحمه‌الله) با اینکه تأکید فراوان بر حضور زن در مسائل اجتماعی داشتند الگوهایی را برای زنان مطرح کردند از جمله، زنان را به الگو برداری از حضرت زهرا (علیها السلام) و حضرت زینب (علیها السلام) دعوت می‌کردند. امام خمینی (رحمه‌الله) می‌فرمایند: «حجاب ایران،

حجاب اسلام، همین مقدارهاست. اسلام اینجا و آنجا ندارد. لکن یک جهات خارجی گاهی در کار هست. به طوری که یک مفسده‌ای باشد، یک اختلاف اخلاقی بشود، یک - عرض می‌کنم - چیزهایی باشد، البته آن وقت باید جلوگیری بشود؛ اما اگر نباشد اینطور و ساده باشد و مثل سایرین با سادگی باشد، نه بی‌چادر مانعی باشد.»

۲ - ۱. پرهیز از اختلاط با نامحرم

آنچه تاکنون بیان کردیم در جواز شرکت زن در اجتماع تردید باقی نمی‌گذارد؛ اما لغزشگاه بودن و زمینه فساد درست کردن اختلاط و امتزاج، امری غیرقابل انکار است. بدین سان اگر برای این حضور ضرورتی را قائل باشیم، مرزبندی دقیق نیز ضروری خواهد بود. یکی از این شرایط پرهیز از اختلاط بر حضور اجتماعی زن می‌باشد. اسلام این حضور را بدون قید و شرط رها نمی‌کند و یکی از شرایط مهم و اساسی فعالیت اجتماعی زن و حضور وی در صحنه‌های گوناگون مرزبندی دقیق و جدایی او از مردان است.

قرآن کریم یکی دیگر از احکام را در زمینه «حجاب» چنین بیان می‌دارد: ﴿وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ﴾ هنگامی که چیزی از متاع و وسائل زندگی از همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله) بخواهید از پشت حجاب (پرده) بخواهید. گفتیم این امر در میان اعراب و بسیاری مردم دیگر معمول بوده و هست که به هنگام نیاز به بعضی از وسائل زندگی موقتاً از همسایه به عاریت می‌گیرند. خانه پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیز از این قانون مستثنا نبوده و گاه و بیگاه می‌آمدند و چیزی از همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله) به عاریت می‌خواستند، روشن است قرار گرفتن همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله) در معرض دید مردم (هرچند با حجاب اسلامی باشد) کار خوبی نبود لذا دستور داده شده که از پشت پرده یا پشت در بگیرند. نکته‌ای که در اینجا باید مورد توجه قرار گیرد این است که منظور از «حجاب» در این آیه پوشش زنان نیست، بلکه حکمی اضافه بر آن است که مخصوص همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله) بوده و آن اینکه مردم موظف بودند به خاطر شرایط خاص همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله) هرگاه می‌خواهند چیزی از آنان بگیرند از پشت پرده باشد و آن‌ها حتی با پوشش اسلامی در برابر مردم در این گونه موارد ظاهر نشوند. البته این حکم درباره زنان دیگر وارد نشده و در آن‌ها تنها رعایت پوشش کافی است. شاهد این سخن آنکه کلمه «حجاب» هر چند در استعمال‌های روزمره به معنی پوشش زن به کار می‌رود، ولی در لغت چنین مفهومی را ندارد و نه در تعبیرات فقهای ما. «حجاب» در لغت به معنی چیزی است که در میان دو شیء حائل می‌شود به همین جهت پرده‌ای که در میان امعاء و قلب و ریه کشیده شده «حجاب

حاجز» نامیده شده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۷، ص ۴۰۲) حضرت امام خمینی (رحمه الله) بارها در مورد نحوه حضور زنان در فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی سخن گفته و مالک را داشتن پوشش اسلامی و تطابق با موازین و احکام شرعی می‌داند و آن‌گاه که از حجاب زنان و شرکت در فعالیت‌های گوناگون سخن به میان می‌آید می‌فرماید: «زنان شجاع ما دیگر از بلاهایی که غرب به عنوان تمدن به سرشان آورده است به ستوه آمده‌اند و به اسلام پناهنده شده‌اند.» (همان، ج ۵، ص ۵۴۱)

۳- ۱. پرهیز از گفتگوی لهو با نامحرم

برای داشتن جامعه‌ای عاری از هرگونه مسائل ضد ارزشی و اخلاقی، لازمه‌اش این است که در رابطه با گفتگو با نامحرمان رعایت موازین دینی انجام شود و به دستورات قرآن کریم و روایات اهل بیت (علیهم السلام) با جان و دل عمل کنیم. تا شاهد زیبایی‌های بیشتر اخلاقی باشیم. ابوبصیر گوید: «کنت اقوی امراته کنت اعدمها القران فما زحتها بشی فقدمت علی ابی جعفر فقال لی ای شی قلت للمرثه فغطیت وجهی فقال التعودن الیها» (فتاحی‌زاده، ۱۳۸۰، ص ۱۵۳) زنی را قرآن تعلیم می‌دادم پس به چیزی با او شوخی کردم. سپس نزد ابی جعفر رفتم. ایشان فرمود: چه چیزی به آن زن گفتی؟ رویم را پوشاندم. حضرت فرمود بسوی او باز نگردد. روایت تأمل‌برانگیز است زن برای تعلیم و فراگرفتن دانش و دریافتن حقایق قرآن در اجتماع حضور باید و در محضر مردی نامحرم با تحفظ و حجاب بنشیند اما شوخ طبعی و پافرا نهادن از معیارها چرا؟

پیامبر (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «ومن فاکه امرأة لا یملکها حبسه الله بکل کلمه کلمها فی الدنیا ألف عام» (حر عاملی، ۱۳۷۰، ج ۱۴، ص ۱۴۲) هر کس با زن نامحرمی شوخی کند در برابر هر کلمه‌ای که در دنیا ادا نموده هزار سال زندانی می‌شود. «قول معروف (گفتار نیک و شایسته) معنی وسیعی دارد که علاوه بر آنچه گفته شد هرگونه گفتار باطل و بیهوده و گناه‌آلود و مخالف حق را نفی می‌کند.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۲۸۹)

۴- ۱. پرهیز از مصافحه با نامحرم

یکی دیگر از انواع حجاب‌ها و پوشش‌ها، حجاب و پوشش در ارتباط بدنی است. ارتباط‌های بدنی در خصوص دو جنس مخالف نامحرم (به‌استثنای زن و شوهر) به دلیل جاذبه‌های جنسی شهوانی و آسیب‌زایی غریزه جنسی نکوهیده و ناشایست است. لذا در احادیث وارد از دست دادن زن و مرد نامحرم با یکدیگر نهی شده است. «پیامبر (صلی الله علیه و آله) از زنان بیعت گرفت ولی با آن‌ها

مصافحه نکرد دستور داد ظرف آبی آوردند دست خود را در آن فرو برد و دستور داد زنان دست خویش را در آب فرو برند همین را بیعت شمرد. عایشه گفت هرگز دست پیامبر (صلی الله علیه و آله) در همه عمر، دست یک زن بیگانه را لمس نکرد.» (مطهری، ۱۴۰۰، ص ۲۰۶)

روایت از امام صادق (علیه السلام) که فرمود: «دست دادن به زن جایز نیست مگر این که آن زن از محارم مانند خواهر، دختر، عمه، خاله یا دخترخواهر و مانند این‌ها باشد؛ اما دست دادن با زن نامحرم که ازدواج با او حلال است، جایز نیست و فقط دست دادن با زن نامحرم از روی لباس و پوشش مانعی ندارد ولی نباید دست او را فشار داد.» (گروه پژوهش مؤسسه جهانی سبطين، بی تا، ص ۳۳) بنابراین تماس‌های جسمی بین زن و مرد نامحرم، هر چند اندک از نظر اسلام حرام و گناه بزرگی محسوب می‌شود. حتی اگر فقط مصافحه (دست دادن) با نامحرم هر چند فامیل آشنا و بدون هیچ قصد سوویی باشد.

۵-۱. عفاف زنان در گفتار

خداوند در قرآن کریم به خصوص در سوره الرحمن نعمت‌های زیادی را که به انسان عطا فرموده یادآوری می‌کند بالاترین این نعمت‌ها پس از آموختن قرآن و آفرینش انسان، آموختن بیان است و می‌فرماید: ﴿الرَّحْمَنُ * عَلَّمَ الْقُرْآنَ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ * عَلَّمَهُ الْبَيَانَ﴾، (سوره الرحمن، ۴-۱) خدای رحمان، قرآن را تعلیم داد، انسان را آفرید، به او بیان آموخت بیان از نظر لغوی معنای گسترده‌ای دارد و به هر چیزی گفته می‌شود که مبین و آشکار باشد. (راغب اصفهانی، ۱۳۶۹، ص ۶۷) البته نطق و سخن را شامل نمی‌شود بلکه کتابت و خط و انواع استدلالات عقلی و منطقی که مبین مسائل مختلف و پیچیده است همه در مفهوم «بیان» جمع است. در چند شاخص این مجموعه همان «سخن گفتن» است. با توجه به اینکه این نعمت «بیان» در زبان انسان متجلی می‌شود زبان و گفتار نقش مهمی در سعادت و خوشبختی دارد و در عین حال همانند سایر نعمت‌ها دارای آفات فراوانی است که علمای اخلاق ذکر کرده‌اند.

واضح است که فعالیت‌های اجتماعی زنان و حضور آنان در عرصه‌های مختلف، زمینه تعادل و ارتباط بین زن و مرد را بیشتر کرده است. در پرتو حضور اجتماعی، بسیاری از استعدادها و قابلیت‌ها به فعلیت می‌رسد، تعلیم و تعلم، توسعه، تکنولوژی و افزایش فهم سیاسی و آگاهی از زمان محقق می‌شود و همچنین در سایه فعالیت اجتماعی، وظیفه امر به معروف و نهی از منکر عملی می‌گردد. از این رو یکی از انگیزه‌های دعوت به مشارکت اجتماعی زنان، بالا رفتن شخصیت علمی، معنوی و اجتماعی آنان است که بدون این حضور انجام این مهم دست یافتنی نیست و یا با

دشواری و مشقت همراه است و از دیدگاه اسلام، این روابط، همواره دارای آداب و شرایطی است که آن را عفت در روابط اجتماعی نامیده‌اند.

از نظر امام خمینی (رحمه الله) شرط اصلی در برقراری هرگونه رابطه‌ای، مکالمه و گفتگو است. به گونه‌ای که اگر گفتگو تجویز نشود، تقریباً ارتباط، به صورت بی‌معنا و لغو در می‌آید. از دیدگاه فقهی و متون دینی، صرف گفتگو میان زن و مرد نامحرم ممنوعیتی ندارد؛ اعم از این که گفتگو درباره مسائل علمی، سیاسی یا درباره مسائل معمولی، عادی و روزمره باشد. امام خمینی (رحمه الله) می‌فرماید: «اقوا این است که شنیدن صدای زن نامحرم در صورتی که با تلذذ و ریه نباشد، جایز است و نیز برای زن جایز است، در صورتی که خوف فتنه‌ای نباشد، صدای خود را به مردان نامحرم بشنوند... جمعی به حرام بودن شنیدن صدای زن و شنوندن آن قائل شده‌اند، اما این قول ضعیف است؛ البته بر زن حرام است که با مردان به گونه مهیج شهوت، گفتگو کند؛ یعنی صدای خود را نازک و لطیف و زیبا کند تا دل‌های بیمار به طمع بیفتند.» (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۲۵۳، مسئله ۲۹)

۲. مرزهای حضور اجتماعی زنان از دیدگاه قرآن و روایات

یکی از احکام و قوانین اسلام، مرزهایی است که حدود فعالیت انسان‌ها را در محدوده‌های مختلف، از جمله در اجتماع معین می‌کند. اسلام برای حضور اجتماعی زنان هم مرزهایی معین کرده است که مطابق با فطرت سالم انسانی و سرشت پاک زن است. برای شناختن مرزهای حضور اجتماعی زنان باید آن را از شرع مقدس اسلام آموخت که چیزی جز آنچه فطرت انسان می‌پسندد و تأیید می‌کند، نیست و همچنان برای انسان عزتی خاص قائل است: «لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (سوره اسراء، آیه ۷۰) تا آن‌جا که او را خلیفه الله قرار داد: «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (سوره بقره، آیه ۳۰) اما فطرت او را چنان سرشت که به تنهایی نتواند زندگی کند و به حیات خود ادامه دهد؛ بنابراین زن و مرد دو عضو یک اجتماع زیبا به نام خانواده و هر دو به حکم فطرت، جویای کمال بیشتر و هرچه بهتر این واحد اجتماعی کوچک هستند. به نسبت استعدادهای فطری، برای خود وظایف و حقوقی قائل‌اند. شریعت مقدس اسلام بر اساس استعدادهای درونی زن و مرد و با توجه به توانمندی‌های خاص آنان، قانون احکام خانواده و مرزهای حضور اجتماعی و وظایف و حقوق زن و مرد را دقیقاً معین کرده و عمل کردن به آن‌ها را، ضامن به کمال رسیدن و به سعادت رسیدن خانواده و اجتماع دانسته است. شرع مقدس برای زن و مرد، نسبت به استعدادهای فطری و توانمندی‌های درونی، روحی و جسمی آنان، وظایفی مخصوص و حدّ و مرزهایی قائل شده که حفظ و رعایت این مرزها، ضامن بقا و امنیت و آرامش و بالندگی خانواده است. مرزهای حضور اجتماعی زن، پاسخگویی به ندای فطرت سالم و

سرشت انسان و میل باطنی او به داشتن خانواده‌ای دارای امنیت و آرامش می‌باشد. زن و مرد به دلیل تفاوت‌های فطری، هریک نقش خاص و متفاوت با دیگری را عهده‌دار می‌شوند. به همین جهت، اسلام در وظایف و تکالیف اجتماعی که قوامش به تعقل یا احساس است، میان زن و مرد تفاوت‌هایی گذاشته است. ولایت، قضاوت و جنگ را که احتیاج مبرم به تعقل و صلابت دارد، به مردان، پرستاری، پرورش نوباوگان و تدبیر خانه را به زنان واگذار نموده است. (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۳۸۶)

گرچه زن و مرد به لحاظ انسان بودن، در پیشگاه خداوند هیچ امتیازی بر یکدیگر ندارند. (تساوی در حقوق معنوی) اما به لحاظ عمل به وظیفه، هریک به نسبت توانمندی خاص خود وظایفی خاص برعهده دارند و ملاک برتری هر یک به دیگری در عمل کردن وظیفه، یعنی حفظ حدود و مرزهایی است که خداوند برای آنان معین کرده است؛ «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَنْتَأَمُّكُمْ». (سوره حجرات، آیه ۱۳). اسلام به بهترین وجه، به ندای وجدان و فطرت انسان در تمامی ابعاد آن پاسخ گفته است؛ و با توجه به این ندای فطری و نیازهای درونی زن و مرد، کاملاً عادلانه و با حفظ عزتمندی هریک از آنان، مرزهای فعالیت و حقوق هر کدام را دقیقاً رعایت کرده است «...أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى...». (سوره آل عمران، آیه ۱۹۵) یعنی عمل هیچ عمل کننده‌ای ضایع نمی‌شود.

زن و مرد در مقابل حقوق انسانی، کاملاً مساوی هستند و اجرشان محفوظ است. از طرف دیگر، با توجه به اختلاف روحی و جسمی و خواسته و نیاز فطری آنان، می‌فرماید: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ» (سوره نساء، آیه ۳۴) مردان سرپرست زنان‌اند، به سبب برتری‌هایی که خداوند برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است و به دلیل هزینه مالی که انجام می‌دهند.

حضور اجتماعی زنان از منظر اسلام، به سه دسته تقسیم شده است:

- **ممنوع:** اموری که اسلام از شرکت و حضور زنان منع کرده است و با طبع و فطرت زنان سازگار نیست؛ همچون: حکومت، قضاوت، جنگ و کارهای سنگین و طاقت‌فرسای دیگر.
- **واجب:** اموری که اسلام نه تنها از حضور زنان با رعایت و حفظ حجاب و حق خانواده منع نکرده، بلکه در صورت ضرورت و نیاز اجتماع، واجب کرده است؛ چون تحصیل علوم و معارف الهی، تعلیم و تعلّم، پرستاری از بیماران و مجروحان، پزشکی مخصوص زنان، آموزش و پرورش دختران و نوباوگان و تمام کارهای خاص زنانه و هریک از ضرورت‌های اجتماعی دیگر؛ که اسلام نه تنها با کارکردن زنان مخالف نیست، بلکه آنان را به کار کردن،

تشویق نموده است. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «سه چیز حجاب‌ها را پاره می‌کند و به پیشگاه عظمت حق می‌رسد: صدای گردش قلم دانشمند به هنگام نوشتن. (تلاش فرهنگی) صدای قدم‌های مجاهدان در میدان جهاد. (تلاش دفاعی) صدای چرخ ریسندگی، زنان پاکدامن. (تلاش اقتصادی)» و نیز فعالیت سالم اقتصادی زنان را در ردیف شریف‌ترین کارها دانسته است؛ بنابراین، اساس یک اجتماع سربلند انسانی را، سه چیز تشکیل می‌دهد: الف) دانش، ب)، جهاد، ج)، کار و کوشش.

• **مباح:** کارهایی که گرچه حضور زنان در آن‌ها ممنوع نیست، اما زنان به انجام آن‌ها تشویق هم نشده‌اند. اگر ضرورتی در کار نباشد، بهتر است کمتر حضور پیدا کنند؛ که این دسته، نیاز به دقت زیاد و رعایت شئونات خانواده و اجتماع دارد.

اسلام برای این قسم هم حدّ و مرز معین کرده است، حضور زنان را به کلی ممنوع نکرده، اما به آن‌ها سفارش کرده است تا ضرورت نباشد، از حضور در اجتماعات خارج از خانه پرهیز کنند. اسلام بهترین و عالی‌ترین وظیفه را برای زنان، اهتمام به امور خانه و خانه‌داری دانسته است. حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام)، الگوی زنان عالم فرمود: «نزدیک‌ترین حالات زن به خدا، آن است که ملازم خانه خود باشد و بیرون از خانه نرود.» (قمی، ۱۳۹۳، ص ۱۳۴) امام علی (علیه السلام) فرمود: «جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ» (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۱۰۰، ص ۲۵۲) جهاد زن، خوش شوهرداری کردن است. استقلالی که زن در داری خود دارد و فقه شیعه از ابتدا آن را محترم شناخته است، در یونان و روم و ژرمن و تا چندی پیش هم در غالب کشورهای جهان وجود نداشت؛ یعنی زن مثل صغیر و مجنون از تصرف در اموال خود، ممنوع بود. در انگلستان که سابقاً شخصیت زن در شخصیت شوهر محو بود دو قانون، یکی در سال ۱۸۷۰ م و دیگری در سال ۱۸۸۲ م. به اسم «مالکیت زن شوهردار» از زن رفع حجر نمود. (شابگان، ۱۳۹۶، ص ۳۶۶)؛ همین قانون اخلاق مسیحی را به کارخانه‌داران مجلس عوام وضع کردند تا بتوانند زنان انگلستان را به کارخانه‌ها بکشانند و از نیروی کار ارزان آن‌ها ثروتمند شوند؛ اما تساوی حقوق زن و مرد، برای اولین بار در اعلامیه جهانی حقوق بشر که پس از جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۸ م. از طرف سازمان ملل متحد منتشر گشت، تساوی حقوق زن و مرد صریحاً اعلام شد؛ و در عمل ثابت شد که این تساوی تنها برای سوءاستفاده از جنس زن بود.

«ویل دورانت»، فیلسوف و نویسنده معروف تاریخ تمدن می‌گوید: «بزرگ‌ترین حادثه قرن بیستم، دگرگونی وضع زنان بوده است. تاریخ چنین تغییر تکان‌دهنده‌ای در مدتی به این کوتاهی کمتر دیده است. خانه مقدّس که پایه نظم اجتماعی ما بود، شیوه زناشویی که مانع شهوت‌رانی و

ناپایداری وضع انسان بود، قانون اخلاقی که ما را از «توحش» به «تمدن» و آداب معاشرت رسانده بود، همه آشکارا در این انتقال پرآشوبی که همه رسوم و اشکال زندگی و تفکر ما را فراگرفته است، گرفتار شده؛ هنوز هم ناله متفکران غربی از به هم خوردن نظم خانوادگی و سست شدن پایه ازدواج، از شانه خالی کردن جوانان از قبول مسؤلیت ازدواج، از منفور شدن حس مادری، از کاهش علاقه پدر و مادر، خصوصاً، مادر نسبت به فرزندان، از ابتدال زن دنیای امروز و جانشین شدن هوس‌های سطحی به جای عشق (محبت و مودت)، از افزایش روزافزون طلاق و... به گوش می‌رسد» (مطهری، ۱۳۷۱، ص ۱۵)

۳. راه‌کارهای قرآن و روایات برای تأمین امنیت اخلاقی زنان در جامعه

زنان نیمی از بپیکر جامعه است شخصیت، رفتار، فرهنگ و اندیشه او بی‌گمان در شکل‌گیری جامعه انسانی نقش مهمی را ایفا می‌کند. آنچه به نقش‌آفرینی مثبت زنان در تحقق امنیت اخلاقی جامعه کمک شایانی می‌کند و باعث سالم‌سازی محیط زندگی می‌شود، رعایت امور در هنگام حضورشان در اجتماع است.

۱- ۳. حفظ حریم‌ها در فعالیتهای اجتماعی

از آموزه‌های دینی برمی‌آید که اسلام زنان را از شرکت در فعالیتهای دینی، علمی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی منع نمی‌کند. به‌عنوان نمونه قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعَنَّكَ... فَبَايِعْنَهُنَّ وَأَسْتَغْفِرْ لَهُنَّ إِنَّ اللَّهَ إِذَا عَفُوَ رَحِيمٌ» (سوره ممتحنه، آیه ۱۲). «ای پیامبر، چون زنان باایمان نزد تو آیند که با این شرط به تو بیعت کنند... با آنان بیعت کن و از خدا برای آنان آمرزش بخواه، زیرا خداوند آمرزنده و مهربان است.» و یا در جای دیگر می‌فرماید: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (سوره توبه، آیه ۷۱) «و مردان و زنان با ایمان، دوستان یکدیگرند که به کارهای پسندیده و امی دارند و از کارهای ناپسند بازمی‌دارند». این آیات حکایت از آن دارند که حضور مثبت زنان در عرصه‌های سیاسی و مسائل اجتماعی، از جمله قضایی است که از منظر اسلام مورد قبول بوده و تثبیت شده است؛ اما این حضور و فعالیت شروط مهمی دارد که عبارت‌اند از رعایت حجاب و عفاف، مراعات مرز محرم و نامحرمی، عدم اختلاط و امتزاج زن و مرد و ترک رابطه بیش از حد ضرورت با یکدیگر و نیز قرار گرفتن زن در نقشی که متناسب با ترکیب جسمانی و روانی آنان است. یکی از الزامات مهم حضور زنان در فعالیتهای اجتماعی و سیاسی، همین التزام به رعایت حجاب و عفاف است تا

حریم‌ها نگه داشته شود. حجاب به معنای پوشش بیرونی و عفاف به معنای پوشش درونی، دو عاملی هستند که باعث سلامت جامعه بوده، در صورت عدم رعایت، مشکلات و اثرات مخرب زیادی در جامعه به وجود خواهند آورد، لذا قرآن کریم به پیامبر اکرم دستور می‌دهد: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» (سوره احزاب، آیه ۵۹)؛ ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زن‌های مؤمنین بگو روسری‌ها و چادرهای خود را برخوش بپوشانند (که گردن، سینه، بازوان و ساق‌ها پوشیده شود) این (کار) نزدیک‌تر است به آنکه (به حجاب و عفت) شناخته شوند تا مورد تعرض و آزار (فاجران) قرار نگیرند. چون حجاب خواسته و امری فطری است، توجیه عقلی و منطقی دارد و خالق بشر که بر تمامی اسرار و رموز آفرینش آگاه است، زیبایی، امنیت، رشد و تعالی زن را در حجاب دانسته است؛ بنابراین، اصولاً پوشش، یک اصل است و این اصل در محیط‌های مختلف، متفاوت است؛ به‌طور مثال، کسی که برای جراحی به اتاق عمل می‌رود، باید لباس مخصوص آن محیط را بپوشد و یا فردی که در خانه مشغول فعالیت است، باید لباس محیط خود را بپوشد؛ لذا چه مردان و چه زنان که در جامعه فعالیت می‌کنند، باید لباسی بپوشند که در شأن خود و اجتماعی که در آن قرار گرفته‌اند، باشد تا هم به پاکی شناخته شوند و هم از تعرض و آزار افراد بیمار و آلوده در امان باشند و فضای فساد و زمینه جولان تبهکاران برچیده شود.

براساس پژوهش‌های دینی، تحقیقات مردم‌شناسانه و مطالعات روان‌شناسی، حجاب در سلامت روانی و مصونیت اجتماعی زنان تأثیر چشمگیری دارد. (کاوندی و انتصار فومنی، ۱۳۸۹)

حجاب و حریم اسلامی موجب کنترل غرایز، التهابات جنسی و جسمی و نیز مانع از معاشرت‌های بی‌بندوبار می‌گردد که همین امر سلامت اخلاقی جامعه را به ارمغان خواهد آورد. ازاین‌رو، قرآن کریم با منع اختلاط و ارتباط بیش از ضرورت زن و مرد نامحرم، به رعایت حریم در معاشرت با نامحرمان دستور می‌دهد و می‌فرماید: «وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَائِهِنَّ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ» (سوره احزاب، آیه ۵۳)، «وچون متاعی (از وسائل زندگی) از آنان (زنان پیامبر) خواستید، از پشت پرده بخواهید که این کار پاکیزه‌تر است برای دل‌های شما و دل‌های آنان.»

بنابراین، یکی از مهم‌ترین و برترین راه‌های پیش‌گیری از جرائم و فساد اخلاقی و آسیب‌های اجتماعی، رعایت حد و حدود در مواجهه با افراد نامحرم و حجاب و پوشش اسلامی است، البته حفظ حریم‌ها در فعالیت‌های اجتماعی فقط به پوشیدن چادر و داشتن حجاب ظاهری منحصر نیست؛ بلکه هرگونه خلوت کردن با نامحرم، خروج از رفتارهای متین، رفاقت و اختلاط و شوخی کردن با نامحرم، مراقبت نکردن در لحن و محتوای سخن با نامحرمان و... از جمله مؤلفه‌های

هستند که رعایت آن‌ها، حریم و فاصله میان زن و مرد در جامعه را حفظ می‌کند. (اسماعیلی و مهدیان، ۱۳۹۳، ص ۲۳) در این میان، ابتدا نقش برجسته و تأثیرگذار از آن زنان جامعه است. اسلام به خطرات ناشی از روابط به اصطلاح آزاد جنسی کاملاً آگاه است. به همین جهت نهایت مراقبت را در برخوردهای زنان و مردان اجنبی دارد، در عین این‌که به زنان اجازه شرکت در مساجد و محافل را می‌دهد که با رعایت آداب اسلامی و به همراه عفاف باشد. پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) در زمان حیات خویش اراده کرد که در ورودی زنان به مسجد از در ورودی مردان مجزا باشد. روزی اشاره به یکی از درها کرد و فرمود: «لو ترکنا هذا الباب للنساء»؛ یعنی خوب است این در را به بانوان اختصاص بدهیم. بعدها عمر صریحاً نهی کرد که مردان از آن در وارد شوند؛ و نیز می‌گویند پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) دستور داد که شب هنگام که نماز تمام می‌شود اول زنان بیرون بروند بعد مردها. پیامبر دوست نمی‌داشت که زن و مرد در حال اختلاط از مسجد بیرون روند؛ زیرا فتنه‌ها در همین اختلاط‌ها برمی‌خیزد. رسول خدا برای این‌که برخورد و اصطکاک رخ ندهد دستور می‌داد مردان از وسط و زنان از کنار کوچه یا خیابان بروند. (مطهری، ۱۴۰۰، ص ۲۱) همچنین امیرالمؤمنین (علیه السلام) به فرزندش امام حسن (علیه السلام) چنین توصیه فرمودند: «و اکف علیهن من ابصارهن بحجابک ایاهن فان شده الحجاب ابقی علیهن و لیس خروجهن باشد من ادخالک علیهن من لا یوثق به علیهن و ان استطعت ان لا یعرفن غیرک فافعل» (همان، ص ۲۳۵)؛ یعنی تا می‌توانی کاری کن که زن تو با مردان بیگانه معاشرت نداشته باشد. هیچ چیز بهتر از خانه زن را حفظ نمی‌کند. همان‌طور که بیرون رفتن آنان از خانه و معاشرت با مردان بیگانه در خارج خانه برای‌شان مضر و خطرناک است. وارد کردن تو مرد بیگانه را بر او در داخل خانه و اجازه معاشرت در داخل خانه نیز مضر و خطرناک است. اگر بتوانی کاری کنی که جز تو مرد دیگری را نشناسد چنین کن.

۲-۳. پرهیز از تبدیل آراستگی و زیبایی به ابتذال اخلاقی

اصل گرایش به زیبایی و زیبادوستی امر فطری است؛ ولی آنچه در اسلام ممنوع شمرده شده است، فتنه، فساد و ابتذال اخلاقی از مسیر آرایش تن و پوشش ظاهری است که این امر یکی از بسترهای ناامنی اخلاقی در جامعه می‌باشد. در حقیقت، آنچه مطلوب دین و پسند عقل می‌باشد، آراستگی و پوشش مناسب است، نه آرایش و پوشش توأم با ابتذال و انحراف؛ چرا که خروج از دایره آراستگی و پوشش نامناسب، نشانه اختلالات روحی و آشفتگی درونی است. ابتذال، انحراف و انحطاط آن زمانی است که مقوله آرایش و زیباسازی و لباس و امثال آن، خارج از دایره خانواده و مشغله اصلی

زنان در زندگی گردد و آن‌ها را از وظایف اصلی مادری و همسری غافل و دور سازد. مصرف بی‌حد و مرز و پر ضرر از لوازم آرایشی و پوشیدن لباس‌های نازک و بدن‌نما با الگوهای غربی، در مقابل چشمان پر اضطراب جوانان، سلاح برنده‌ای است که به آسانی ذهن دل و دنیای افراد جامعه را به خود مشغول می‌سازد و در این مسیر، همت‌ها و سرمایه‌های فکری و مالی تباه می‌گردد. سرمایه‌داران بزرگ، سیاست‌مداران خبیث و پلید و گردانندگان دستگاه‌های مخفی استکباری، برای کسب سود بیشتر، به تولید لوازم مصرفی آرایشی برای زنان و کشاندن آن‌ها به ابتذال و وابستگی روی آورده‌اند تا علاوه بر سست کردن بنیان، خانواده‌ها، مردان و زنان آن جامعه را از اندیشیدن، تصمیم صحیح و خلاقیت دور کنند. توجه بیش از اندازه به آرایش و تجمل، زنان را به مصرف‌گرایی لجام‌گسیخته و ابتذال اخلاقی می‌کشاند و آن‌ها را از واقعیات زندگی و دنیای معنویت دور می‌سازد.

۳-۳. پرهیز از خودآرایی در مقابل مردان

خودنمایی و عرضه زیبایی‌های ظاهری در مقابل چشمان هوس‌آلود دیگران، یکی از عوامل بروز ناامنی اخلاقی در جامعه از جانب زنان است. به این جهت قرآن کریم در راستای سالم‌سازی محیط اجتماعی، به زنان دستور می‌دهد که در هنگام معاشرت و حضور در جامعه، بر حفظ زینت‌ها و زیبایی‌های خود کوشا باشند و می‌فرماید: «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى» (سوره احزاب، آیه ۳۳)؛ «و با (وقار) در خانه‌های‌تان قرار گیرید و (در میان مردم) همانند ظهور (زن‌ها) در دوران جاهلیت نخستین (با آرایش و زینت بدون رعایت حجاب) ظاهر نشوید».

«تَبَرَّجَ» به معنای آشکار شدن در برابر مردم است و از ماده «برج» گرفته شده که در برابر دیدگان همه ظاهر است. منظور از «جاهلیت اولی» همان جاهلیتی است که مقارن با عصر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بوده و همان‌گونه در تاریخ آمده است در آن موقع زنان حجاب درستی نداشتند و دنباله روسری‌های خود را به پشت سر می‌انداختند، به طوری که گلو و قسمتی از سینه و گردن‌بند و گوشواره‌های آن‌ها نمایان بود و به این ترتیب، قرآن همسران پیامبر را از این‌گونه اعمال باز می‌دارد. بدون شک این یک حکم عام است و تکیه آیات بر زنان پیامبر به‌عنوان تأکید بیشتر است. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ص ۲۹۰)

اسلام با عنایت به ارزش بسیار بالای حیا، عفت و غیرت در جامعه اسلامی، به کنترل نگاه حضور در مجامع عمومی و معابر همگانی و... حساسیت دارد و دستور می‌دهد: «وَقُلْ لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبَائِهِنَّ أَوْ بُعُولَتِهِنَّ...» (سوره نور، آیه ۳۱)؛ «و به زنان

با ایمان بگو که چشمان خود را (از نگاه به عورت غیر و بدن مرد اجنبی) فرو بندد و عورت‌های خود را (تمام بدن را غیر از صورت و دست‌ها، از این‌که در معرض دید اجنبی قرار گیرد) حفظ کنند و زیور و زینت خود و جاهای آن را مانند (گردن، سینه، موهای سر، بازوان و ساق‌های پا) آشکار نسازند، جز آنچه (برحسب ضرورت عرفی) پیداست مانند (لباس‌های رو و صورت و دست‌ها) و باید روسری‌های خود را بر روی گریبان‌ها بزنند (تا گردن و سینه پوشانده شود) و زیور و (جاهای زیور) را برکسی آشکار نسازند، جز بر شوهر یا پدر یا پدرشوهرشان...» بنابراین، یکی از راه‌های حفظ عفت در جامعه اسلامی، نهان کردن زینت و جذابیت‌های ظاهری از سوی زنان می‌باشد؛ چرا که آشکار نمودن زینت‌ها و در معرض قرار دادن جذابیت‌های جسمی، بر تشدید التهاب و تشنگی جنسی جوانان می‌افزاید و همین امر برای ایجاد ناامنی اخلاقی و بروز مفساد اجتماعی در جامعه کافی است.

۴-۳. الزام افراد به ایفای وظایف

یکی از راه‌های تأمین امنیت اجتماعی بانوان، الزام افراد به ایفای وظایف شرعی است که از مصادیق متیقن آن، اجبار فرد به ادای حقوق دیگران است و بر همین اساس، فقها به مشروعیت اجبار حکومتی در مواردی مانند تقسیم ملک شراکتی در صورت درخواست یکی از شرکاء به شرط عدم ضرر (اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۱۰، ص ۲۱۱؛ موسوی خمینی، ۱۳۹۰، ج ۱، صص ۶۲۸-۶۲۹)، مشروعیت اخذ اجباری زکات توسط حاکم، اجبار مدیون به فروش دارایی و ادای دین و اجبار شوهر به طلاق در پاره‌ای موارد (کرکی، ۱۴۲۹، ج ۱۲، ص ۱۷۳) تصریح کرده‌اند. برای اثبات مشروعیت این نوع مداخلات حاکم اسلامی می‌توان علاوه بر عموم قاعده لا ضرر و لا ضرار که شرح آن گذشت، به مجموعه‌ای از روایات از جمله روایات ذیل استناد کرد:

- روایت صحیححه ابوبصیر از امام باقر (علیه السلام): کسی که زنی دارد و او را نمی‌پوشاند و خوراک مورد نیازش را برای او فراهم نمی‌آورد، بر امام لازم است آن‌ها را از هم جدا کند (حرعاملی، ۱۳۷۰، ج ۲۱، ص ۵۰۹)
- روایت صحیححه ربیع بن عبدالله و فضیل بن یسار از امام صادق (علیه السلام): «مفاد این روایت همانند روایت قبلی آن است که حاکم اسلامی با مردی که نفقه همسرش را نمی‌پردازد، برخورد قانونی می‌کند؛ به این صورت که او را ملزم می‌کند که یا نفقه زن را بپردازد یا او را طلاق دهد» (همان: ج ۲۱، ص ۵۰۹)
- روایت معتبر ابن ابی غیر از امام صادق (علیه السلام): «مَا قُدِّسَتْ أُمَّةٌ لَمْ يُوْخَذْ لِصُعِفِهَا مِنْ قَوِيَّهَا

بِحَقِّهِ غَيْرَ مُتَعَتِّعٍ؛ امتی که حق فرد ناتوانش را بدون آنکه دچار ترس و لکنت زبان شود از فرد توانمند نگیرد، به پاکی نمی‌رسد». (همان: ج ۱۶، ص ۱۲۰) در این روایت بر لزوم احقاق حقوق ضعفای جامعه در برابر توانگران تأکید شده است که اصولاً بدون مداخله حکومتی امکان‌پذیر نیست. ضمن آنکه اطلاق روایت، مسائل عفاف و حجاب را شامل می‌شود.

• روایت صحیحۀ عبدالله بن سنان از امام صادق (علیه السلام): «وَفِي رَجُلٍ أَرَادَ امْرَأَةً عَلَى نَفْسِهَا حَرَامًا فَرَمْتَهُ بِحَجَرٍ فَأَصَابَتْ مِنْهُ مَقْتَلًا قَالَ لَيْسَ عَلَيْهَا شَيْءٌ فِيمَا بَيْنَهَا وَبَيْنَ اللَّهِ وَإِنْ قَدِمْتَ إِلَيَّ إِمَامٍ عَدَلٍ أَهْدَرَ دَمَهُ؛ درباره مردی که قصد ارتکاب عمل حرام با زنی داشت و زن با سنگی او را هدف قرار داد که موجب مرگ وی شد، حضرت فرمود: زن بین خود و خدا هیچ مسئولیتی ندارد و اگر او را برای دادخواهی نزد امام عادل بیاورند، وی به مهدورالدم بودن مرد حکم خواهد کرد». (حرعاملی، ۱۳۷۰، ج ۲۹، ص ۶۱) با توجه به عبارت ذیل روایت، باید الزام حکومتی افراد به احقاق حقوق دیگران را شامل هر دو جنبه فعل و ترک فعل بدانیم؛ زیرا این عبارت ناظر به فرضی است که اولیای مقتول، درخواست قصاص زن قاتل را دارند و حاکم عادل با جلوگیری از این امر، از زن حمایت قانونی می‌کند.

از آنجاکه موضوع روایات مزبور، مداخله حکومت در احقاق حقوق دیگران است، این سؤال پیش می‌آید که آیا حکومت اسلامی در زمینه الزام و اجبار مردم بر ایفای تکالیف الهی محض مانند وجوب نماز و روزه که جنبه حق الناسی ندارند و نیز تکالیفی مانند وجوب حجاب که جنبه حق الناسی آن‌ها ممکن است مورد تردید واقع شود، اختیار و مسئولیتی دارد یا نه؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت ظاهر یا صریح تعابیر فقهایی که از امکان اجبار بر نماز (انصاری، ۱۴۱۵، ص ۶۹؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۱۵، ص ۴۷۵) یا ادای حقوق الهی (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ص ۵۷۷) سخن گفته‌اند، ثبوت چنین وظیفه و اختیاری برای حاکم اسلامی است، هرچند باید قیدی به این سخن افزوده شود و آن لزوم تحقق شکایت و مرافعه است؛ به این معنا که با ارجاع مسئله ترک وظیفه به حاکم، از او درخواست رسیدگی شود یا اینکه حاکم به طور اتفاقی از ترک وظیفه اطلاع یابد، نه اینکه موظف به پیشگیری قهری از ترک نماز و روزه آحاد مردم باشد.

در تأیید مشروعیت اجبار حکومتی بر ایفای تکالیف حق الهی او می‌توان به برخی روایات استناد کرد که در مورد تکالیف خاصی مانند حج وارد شده‌اند. به طور خاص در روایت صحیحۀ عبدالله بن سنان از امام صادق (علیه السلام) می‌خوانیم: «اگر مردم حج را تعطیل کنند، بر امام واجب خواهد بود آنان را - چه بخواهند و چه نخواهند به حج وادار کند؛ زیرا این خانه برای حج گزاردن

تأسیس شده است». (حراعاملی، ۱۳۷۰، ج ۱۱، ص ۲۴) البته روشن است که مفاد چنین روایاتی تعمیم‌پذیر به سایر تکالیف نیست.

روایاتی که برای ترک برخی وظایف که جنبه حق الهی دارند (از جمله روزه‌خواری، خودارضایی و همبستر شدن در حال روزه)، کیفر تعزیری مقرر کرده‌اند. (همان: ج ۲۰، ص ۲۰۶)، به دلالت التزامی بر مشروعیت الزام حکومتی دلالت می‌کنند؛ اما اینکه چرا در روایات از جواز اجبار مردم بر ایفای تکالیفی مانند نماز و روزه مستقیماً سخنی به میان نیامده، ظاهر نکته‌اش این است که این‌گونه تکالیف به‌ویژه با توجه به جنبه فردی و عبادی و نیازشان به قصد قربت می‌توانند بدون اطلاع دیگران انجام شوند و از این رو اجبار پیشینی حکومت در مورد آن‌ها غالباً متصور نیست، مگر به این صورت که مجازاتی بر ترک آن‌ها تعیین شود. گفتنی است در خصوص مسئله الزام حکومتی به حجاب، ممکن است در مخالفت با مشروعیت الزام، به روایت معتبر عباد بن صُهباب استناد شود که برحسب آن امام جعفر صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «نگاه کردن به موی سر زنان اهل بیابان‌های تهامه و اعراب بادیه‌نشین و اهل سواد (ساکنان نخلستان‌ها) و غلوج (عجم‌های غیرمسلمان) اشکال ندارد؛ زیرا اگر نهی از منکر شوند، اعتنا نمی‌کنند» (موسوی خمینی، ۱۴۲۰، ص ۵۹) وجه استدلال آن است که امام از رعایت نکردن حجاب توسط زنان یادشده به رغم و جوب آن، جواز نگاه مردان به آنان را نتیجه گرفته است، بدون آنکه سخنی از لزوم اجبار زنان به رعایت حجاب به میان آورد؛ ولی از آنجا که این روایت از امام صادق (علیه السلام) یعنی در زمان حکومت جور صادر شده است، احتمال فراهم نبودن شرایط الزام حکومتی حجاب قوت می‌گیرد و با وجود این احتمال، نمی‌توان این روایت را شاهی بر اختیاری بودن حجاب در حکومت اسلامی تلقی کرد.

۵-۳. ساماندهی محیط اجتماعی

یکی از ابعاد راه‌های تأمین امنیت اجتماعی بانوان که از وظایف حکومت اسلامی به شمار می‌رود، ساماندهی محیط اجتماعی به منظور تحکیم عفت جنسی است. برای این جنبه از نظارت حکومتی می‌توان چندین شاخص مطرح کرد که به سه مورد مهم اشاره می‌شود: نخست، کاهش زمینه‌های اختلاط جنسی در محیط‌های عمومی مانند مدارس، دانشگاه‌ها، ادارات، مراکز درمانی، کارخانجات، وسایل حمل و نقل عمومی و مراکز تفریحی و ورزشی؛ دوم، کاهش زمینه‌ها و عوامل تحریک یا التذاذ جنسی در اماکن عمومی از قبیل عکس‌ها، بیلبوردها و آوازه‌های غیرعقیفانه؛ سوم، کنترل فضاهای متناسب با ارتکاب گناهان جنسی از قبیل محله‌ها و خانه‌های فساد و مکان‌های دیگری مانند باغ‌ها و ساختمان‌های نیمه‌کاره که به صورت مراکز فساد جنسی درمی‌آیند. در ادامه،

توضیحی درباره حکم این سه شاخص ارائه خواهد شد.

برای اثبات وظیفه حکومت در چگونگی تأمین اجتماعی بانوان می‌توان به چند دلیل استناد کرد: وجوب امر به معروف و نهی از منکر، وجوب نصیحت و حکم عقل. در مورد وجوب امر به معروف و نهی از منکر می‌توان دو بیان را مطرح کرد: طبق بیان نخست، با توجه به نگاه منفی اسلام به اختلاط جنسی، جلوگیری از آن، مصداق روشن نهی از منکر خواهد بود؛ همان‌گونه که نابود کردن ابزار گناه، مصداق نهی از منکر است؛ ولی اشکال این بیان آن است که همچنان که پیش‌تر گفتیم، وجوب امر و نهی تابع وجوب معروف و حرمت منکر است و از این‌رو در مورد معروف مستحب، امر کردن صرفاً استحباب دارد؛ همچنان‌که نهی از مکروه نیز فقط مستحب است. این در حالی است که اختلاط جنسی به معنای باهم بودن زنان و مردان نامحرم به خودی خود منع شرعی ندارد و همان‌گونه که بیشتر فقهای معاصر فتوا داده‌اند (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۴۹۹)، فقط می‌توان کراهت آن را ادعا کرد، مگر در فرضی که اختلاط به مفسده بینجامد که در این فرض باید از آن اجتناب شود. (موسوی خمینی، ۱۳۸۱، ج ۳، ص ۲۸۰) به این ترتیب، وجوب جلوگیری حکومت از اختلاط جنسی فقط در فرض وجود مفسده ثابت می‌شود؛ همچنان‌که آیت‌الله خویی به رغم تأیید کراهت اختلاط (موسوی خویی، ۱۳۷۱، ج ۳۲، ص ۹۴)، تأسیس مدارس مختلط برای نوجوانان را حرام دانسته است. (موسوی خویی، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۳۳۱) که منشأ این فتوا ظاهره احراز مفسده آمیز بودن اختلاط در سنین نوجوانی از منظر موضوع شناسی بوده است؛ اما بر حسب بیان دوم، با توجه به اینکه ایجاد زمینه‌های اختلاط جنسی قطعاً به تحقق گناه کمک می‌کند، به این معنا که دستکم موجب علم اجمالی به ارتکاب گناه عده‌ای از افراد می‌شود و با عنایت به اینکه روایات متعدد چنان‌که در مباحث گذشته اشاره شد ملاک و غرض اصلی وجوب نهی از منکر به ویژه نهی حکومتی را جلوگیری از گناه معرفی کرده‌اند، می‌توان این‌گونه استدلال کرد که از نظر عقلا وجوب جلوگیری از گناه و جواز کمک به تحقق گناه با یکدیگر متناقض‌اند و چون وجوب جلوگیری از گناه قطعاً ثابت است، هرگونه کمک به تحقق گناه از جمله با ایجاد زمینه‌های اختلاط جنسی حرام خواهد بود. گفتنی است منظور از «ایجاد» در اینجا صرفاً احداث نیست تا به مکان‌های در حال احداث اختصاص یابد، بلکه مکان‌هایی که قبلاً تأسیس شده‌اند نیز مشمول این حکم‌اند؛ زیرا با توجه به انتساب این مکان‌های عمومی مختلط به حکومت، می‌توان نگهداری و تداوم فعالیت آن‌ها را نیز مصداق کمک حکومت به تحقق گناه قلمداد کرد. در همین زمینه می‌توان قطع نظر از قاعده نهی از منکر، حکم عقل به قبح کمک به گناه را دلیل مطلب دانست، هرچند این دلیل اخص از مدعاست؛ زیرا قدر متیقن از موضوع حکم عقل، کمک به گناهایی مانند قتل، سرقت و تجاوز

است که مستلزم سلب حق الناس باشند؛ چراکه در این موارد عقلاً تردید نمی‌کنند که کمک به گناهکار، ظلم و قبیح است؛ اما در مورد گناهیانی که صرفاً ظلم به نفس به حساب می‌آیند، حکم عقل به قبح هرگونه کمک ثابت نیست.

به این ترتیب، حکم شاخص دوم یعنی کاهش زمینه‌ها و عوامل تحریک یا التذاذ جنسی در اماکن عمومی نیز مشخص می‌شود و با استناد به هر سه دلیل وجوب امر به معروف و نهی از منکر، وجوب نصیحت و حکم عقل می‌توان وظیفه حکومت در این زمینه را اثبات کرد. ضمن آنکه ابهام موجود در مورد شاخص اول که ناشی از فتوای فقها به کراهت اختلاط بود، در مورد شاخص دوم مطرح نیست؛ چراکه حرمت تلذذ جنسی در خارج از چارچوب زناشویی از نظر فقها امری مسلم و اجماعی است. به همین سان در مورد شاخص سوم یعنی کنترل فضاهای متناسب با گناه جنسی می‌توان به ادله وجوب نهی از منکر و وجوب نصیحت استناد کرد. ضمن آنکه وجوب نابود کردن ابزار گناه که در مباحث گذشته بر آن استدلال شد، به طریق اولی مستلزم وجوب کنترل فضاهای مناسب گناه از سوی حکومت اسلامی است، بلکه گاه ممکن است اقتضای وجوب نابود کردن این مکان‌ها را نیز داشته باشد. با توجه به مطالب مذکور می‌توان گفت که ساماندهی محیط اجتماعی را به‌کارگیری مراتب امر به معروف و نهی از منکر می‌تواند حضور زنان را در جامعه با آسایش و امنیت فراهم نماید، لذا امنیت اجتماعی بانوان تأمین می‌شود.

نتیجه‌گیری

امنیت اخلاقی و اجتماعی ابعاد مختلف زندگی انسان را در برمی‌گیرد و از رعایت پرهیزکاری در نگاه آغاز شده و گستره‌های دیگر نظیر رعایت حفظ حریم‌ها در فعالیت‌های اجتماعی، پرهیز از تبدیل آراستگی و زیبایی به ابتذال اخلاقی، پرهیز از تبرج در مقابل مردان و... را شامل می‌شود. الگوبرداری از سیره ائمه معصومین (علیهم السلام) از مهم‌ترین راه‌هایی است که زنان می‌توانند از طریق آن امنیت اخلاقی را در جامعه ایجاد کنند که مهم‌ترین راه وصول به آن حجاب و پوشش اسلامی و آزادی فرهنگی برای بانوان می‌باشد. به همان اندازه که ریشه‌های عفاف در روح انسان تقویت شود، قطعاً نوع نگاه آن‌ها به فضائل اخلاقی عمیق‌تر می‌شود و از رذائل اخلاقی دوری می‌نمایند. یکی از فضائل اخلاقی پاک‌دامنی و عفت است که این سجیه اخلاقی بر حجاب نظارت مستقیم دارد در شریعت محمدی (صلی الله علیه و آله) اهمیت فوق‌العاده‌ای به مسئله عفت و پاکدامنی داده شده است که با توجه به آیات الهی و روایات اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) و با عمل به این رهنمودها و دستورات، عفاف عمومی و سلامت اجتماعی تضمین می‌گردد. گستره و ابعاد

عفاف در قرآن کریم شامل عرصه رفتار فردی اجتماعی، کنترل نگاه‌های حرام، تبرّج و دوری از مصافحه و اختلاط با نامحرمان و کیفیت و محتوا در گفتار و... بوده که در نهایت با حجاب ارتباط نزدیکی دارند و کامل‌کننده هم هستند. پوشش یک بعد و یک عرصه از عفاف است و رابطه تنگاتنگی با یکدیگر دارند و برهم تأثیر و تأثر متقابل دارند. سلوک رفتاری توأم با وقار در انتخاب لباس و پوشش، از عفاف درونی خبر می‌دهد و از طرفی نوع پوشش و لباس انسان، در شخصیت روحی، روانی، فرهنگی و دینی فرد مؤثر است. از این جاست که قرآن کریم زنانی را که در بهشت جای دارند به مروارید محبوب تشبیه کرده است.

منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

۱. انصاری، محمدعلی. (۱۳۸۶). تفسیر گویای بیان، مشهد: موسسه هدایت نور.
۲. بهشتی، احمد. (بی تا). خانواده در قرآن، قم: بوستان کتاب.
۳. جعفری، یعقوب. (۱۳۷۶). تفسیر کوثر، چاپ اول، قم: موسسه انتشارات هجرت.
۴. حرعاملی، محمد بن حسن. (۱۳۷۰). تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه (تحقیق: محمدرضا الحسینی الجلالی)، قم: موسسه آل البیت (علیهم السلام) لإحياء التراث.
۵. حسینی زبیدی، محمد مرتضی. (۱۴۱۴ ق). تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دارالفکر.
۶. خرمشاهی، بهاءالدین؛ فانی، کامران. (۱۳۶۹). فرهنگ موضوعی قرآن، تهران: انتشارات ناهید.
۷. خمینی، سید روح الله. (۱۳۸۵). صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی (رحمه الله): (بیانات، پیامها، مصاحبهها، احکام، اجازات شرعی و نامهها) (بهمن ۱۳۵۷ - فروردین ۱۳۵۸)، ج ۶، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمه الله).
۸. _____ . (۱۳۹۲). ترجمه تحریر الوسیله، ج ۲، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمه الله).
۹. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت نامه، تهران: دانشگاه تهران.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۳۶۹ ش). مفردات الفاظ قرآن، ترجمه غلامرضا خسروی حسینی، چاپ اول، تهران: نشر مرتضوی.
۱۱. رضایی اصفهانی، محمدعلی. (۱۳۸۶ ش). قرآن و علم، قم: انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآن.
۱۲. _____ . (۱۳۸۷ ش). تفسیر قرآن مهر، چاپ یکم، قم: نشر پژوهش های تفسیر و علوم قرآن.
۱۳. سید قطب. (۱۳۵۲). عدالت اجتماعی در اسلام، ترجمه هادی خسروشاهی و محمدعلی گرامی. بی جا.
۱۴. شایگان، علی. (۱۳۹۶). حقوق مدنی، تهران: مهرکلام.
۱۵. طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۷۸). تفسیر المیزان، ج ۲، ترجمه: محمدتقی

- مصباح‌یزدی. تهران: امیرکبیر، شرکت کتاب‌های جیبی فرانکلین، مرکز نشر فرهنگی رجاء، بنیاد علمی فکری علامه طباطبایی.
۱۶. طبری، محمد بن جریر بن یزید. (۱۴۱۲ ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر طبری)، چاپ اول، بیروت: نشر دارالمعرفه.
۱۷. عمید، حسن. (۱۳۷۵). فرهنگ عمید، چاپ ششم، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.
۱۸. فتاحی‌زاده، فتحیه. (۱۳۸۰). حجاب از دیدگاه قرآن و سنت، تهران: موسسه بوستان کتاب.
۱۹. قرائتی، محسن. (۱۳۷۴). تفسیر نور، تهران: نشر مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۲۰. قرشی بنابی، علی اکبر. (۱۳۷۱ ش). قاموس قرآن، چاپ ششم، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
۲۱. قمی، شیخ عباس. (۱۳۹۳). منتهی الآمال در ذکر تاریخ چهارده معصوم، تهران: پیام آزادی.
۲۲. کاوندی، سحر و انتصار فومنی، غلامحسین. (۱۳۸۹). رابطه حجاب با سلامت روانی و مصونیت اجتماعی. نشریه بانوان شیعه، شماره ۲۵.
۲۳. کرکی، علی بن حسین. (۱۴۲۹ ق). جامع المقاصد فی شرح القواعد، بیروت: مؤسسه اهل البیت لاحیاء التراث.
۲۴. گروه پژوهش مؤسسه جهانی سبطين. (بی تا)، پوشش در اسلام، بی جا.
۲۵. لطیفی، محمود و جوادی‌آملی، عبدالله. (۱۳۸۵). زن در آینه جلال و جمال، چاپ دوازدهم، تهران: اسراء.
۲۶. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. (۱۳۸۶). بحارالانوار، ج ۱۰۰، تهران: کتابچی.
۲۷. محمد بن مکرم. (۱۳۷۴). لسان العرب، چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی: موسسه تاریخ العربی.
۲۸. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۱). نظام حقوق زن در اسلام، تهران: صدرا.
۲۹. _____ . (۱۴۰۰). مسئله حجاب، تهران: صدرا.
۳۰. معین، محمد. (۱۳۸۸). فرهنگ فارسی معین، تهران: موسسه انتشاراتی امیرکبیر.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴ ش). تفسیر نمونه، چاپ دهم، تهران: نشر دارالکتب الاسلامیه.
۳۲. _____ . (۱۳۷۸). اخلاق در قرآن، قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب (علیه السلام).
۳۳. _____ . (۱۳۸۶). تفسیر پیام قرآن، چاپ نهم، تهران: نشر دارالکتب الاسلامیه.
۳۴. نجفی، محمدحسن. (۱۴۰۴ ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم.

۳۵. هاشمی رفسنجانی، اکبر. (۱۳۸۳). فرهنگ قرآن، چاپ دوم، قم: انتشارات بوستان کتاب قم.
۳۶. هاشمی رفسنجانی، اکبر. (۱۳۸۶ ش). تفسیر راهنما: روشی نو در ارائه مفاهیم موضوعات قرآن، چاپ یکم، قم: بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).